

کنجی کین ساکا' متقد سینمایی جوان  
ژاپنی، لویس بونوئل را در خانه اش در  
مکزیکوسیتی ملاقات کرد. مصاحبه زیر در این  
دیدار صورت گرفته است.

● به خاطر موفقیتان در مورد «ویریدیانا»<sup>۲</sup>  
تبریک می گویم. من دیشب توانستم فیلم  
«دختر جوان»<sup>۳</sup> را ببینم.

- من ترجیح می دهم ویریدیانا را ببینید.

● متأسفانه در ژاپن فقط توانستیم دو تا از  
فیلمهای شما را ببینیم. «سگ اندولسی»<sup>۴</sup> و  
«لوس اولویدادوس»<sup>۵</sup>. اما با این حال می دانم  
که صاحب نظران سینمایی که عقاید  
روشنفکرانه‌ای دارند، دستاوردهای شما را  
بسیار ارج می نهند. شما بیش از ۲۰ فیلم  
ساخته‌اید. در میان اینها کدام یک را بیشتر  
توصیه می کنید که ببینیم، «ال»<sup>۶</sup> و «راینسون  
کروزو»<sup>۷</sup>؟

- ال و نازارین<sup>۸</sup>. در مورد راینسون کروزو  
خیلی مطمئن نیستم. مخصوصاً که نمی توانید  
نسخه مناسبی از آن پیدا کنید. در میان بقیه،  
وقتی که کسی ۲۱ یا ۲۲ فیلم می سازد،  
فیلمهایی دارد که اصلاً خوب نیستند.

● «سگ اندولسی»، اخیراً برای اولین بار در  
ژاپن به نمایش درآمد. همه نشریات سینمایی  
می گویند شما و سالوادوردالی<sup>۹</sup> فیلمنامه را با  
هم نوشته، و شما آن را کارگردانی کرده‌اید. آیا  
می توانید بگویید کدام ایده مشخصاً مال شما  
بوده و کدام از آن دالی؟ آیا شما تحت تأثیر دالی  
قرار گرفته بودید؟ درباره دالی بعد از آن زمان  
چه دارید بگویید؟

- بله درسته، آن داستان توسط هر دو نفر ما  
نوشته شد. من کارگردان، مدیر تولید و تهیه کننده

# گفتگو با فیلیپس لویس بونوئل

مترجم: سیما ذوالفقاری

فابی

بودم. اما حالا آنقدر مطمئن نیستم، چون به نظر می‌رسد که هر کسی در رابطه با فیلم دارای حقوقی است. فیلم ۳۲ سال قبل ساخته شده، و من جزئیات زیادی از همکاری‌مان به خاطر نمی‌آورم. چیزی که در مورد خودم ودالی می‌دانم این است که حالا ما متعلق به دودنیای کاملاً متفاوت هستیم. چون دالی به دنیای انسانهایی رفته که پول ساز هستند.

● من فکر می‌کنم که برای مثال، فصل رؤیا در «لوس اولویدادوس» اساساً خیلی سوررئالیستی تر از سوررئالیسم است. بعضی معتقدند که شماروشهای متفاوتی از سینمای مستند و پیشتاز (آوانگارد) را توآمان به کار می‌برید.

- من همیشه سعی دارم تا از ظاهرسازیهای آوانگاردرها شوم. از سوی دیگر، هرچند که قبل از فیلمبرداری لوس اولویدادوس حدود ۱۸ ماه وضعیت محله‌های کثیف و پست را از نزدیک مشاهده کردم؛ با وجود این هنوز برای اطلاق نام مستند به فیلم تردید دارم، چون من عقاید خودم را در فیلم منعکس کرده‌ام. به نظر من اطلاق عنوان بی معنی است. اساساً ما به طریقی فیلم می‌سازیم که خودمان می‌پسندیم؛ و بعضیها می‌توانند فیلم خوب بسازند، بعضیها هم نمی‌توانند.

● من فکر می‌کنم که سبک مورد بحث ما تا حد زیادی توسط کارگردانهای جوان تقلید می‌شود، به خصوص تصاویر شما از «خشونت».

- اگر من «خشونت» را به کار می‌برم، این تنها به خاطر خود خشونت نیست. در واقع خشونت برای بیان چیز دیگری است - شاید

من جزئیات زیادی از همکاری با دالی به خاطر نمی‌آورم. چیزی که در مورد خودم ودالی می‌دانم این است که حال ما متعلق به دودنیای کاملاً متفاوت هستیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



مسئله‌ای عام سروکار دارد. شاید این یکی شانس بهتری برای ماندن در گنجینه فیلم داشته باشد. فکر می‌کنم که شنیدم رنه "گفته، کار من را دوست دارد.

● آیا هدف مطالعه مسائل درونی مردم و نهایتاً دستیابی به مسائل اجتماعی و جهانی، چیزی نیست که بیشترین ارتباط را بین کار شما و رنه برقرار می‌کند؟

- شاید این طور باشد. اما من بر اساس شرایط خودم فکر می‌کنم. هیروشیما، عشق من دارای نریشن بد و موسیقی از مداخله است و قسمت آخر آن - جایی که زن و مرد جدا شدن از همدیگر را مشکل می‌یابند - فوق العاده تکراری است. اما با جود این، من برای سه حلقه اول بسیار ارزش قائلم. می‌توانم بگویم آنها غم و اندوه زمانه ما را بیسان می‌کنند. اما این

چیزی در دنیای عقاید. به این معنا، هیچ تأثیر واقعی از من در دنیای فیلمها به چشم نمی‌خورد. اما البته این اواخر زیاد فیلم نمی‌بینم مگر آنهایی که از طرف دوستانم قویاً توصیه می‌شوند.

● آیا شما فیلم موج نو" دیده‌اید؟

- من هیروشیما، عشق من" و چهار صد ضربه" را دیدم، آنها را دوست دارم.

● فکر می‌کنید این دو فیلم با یکدیگر خیلی متفاوت هستند؟ به نظر شما آیا آنها هر دو در تاریخ هنر سینما همچون «لوس اولویدا دوس» باقی خواهد ماند؟

- آنها کاملاً با هم فرق می‌کنند. چهار صد ضربه چیزی شبیه فیلمهای متداول است. در آن، حقیقت زودگذر و خصوصی تعقیب می‌شود. در حالی که هیروشیما، عشق من با

احساس اساساً غیر قابل توضیح است. چیزی همانند يك هاله نورانی که فیلم را احاطه می کند.

● در مورد فیلمهای ژاپنی چطور؟ آیا به نظر شما کوروساوا<sup>۱۵</sup> جالب است؟

- من فقط راشومون<sup>۱۶</sup> و دروازه جهنم<sup>۱۷</sup> را دیدم. آنها را به گونه ای متفاوت از هیروشیما، عشق من دوست دارم. من فیلم رنه را از دیدگاه ایده ها و سیاست می پسندم و فیلمهای ژاپنی را به خاطر جنبه غنایی<sup>۱۸</sup> و رمزگونه<sup>۱۹</sup> آنها.

● منظور شما از «غنایی» صرفاً زیبایی بصری است؟ آیا شما «ایکپرو»<sup>۲۰</sup> را دیده اید؟

- من به اندازه کافی فیلمهای ژاپنی ندیده ام که بخواهم هیچ قضایاتی بکنم. اوه، بله من هفت سامورایی<sup>۲۱</sup> را هم دیده ام. «کوروساوا» سطحی است اما از نظر نمایشی استاد خارق العاده ای است. فیلمهایش را خیلی دوست دارم. دروازه جهنم در سردارنده مفهوم جهانی است چرا که «عشق» را به عنوان تم اصلی دارد. در سالی که این فیلم در جشنواره کن<sup>۲۲</sup> جایزه گرفت من یکی از اعضای هیئت داوران بودم. در غیر این صورت ممکن بود، آن را از دست بدهم؛ اما به هر صورت، فیلمهای ژاپنی که من دیدم بسیار بهتر از فیلمهای امروزی هالیوود هستند. من دلم می خواهد که به ژاپن بروم ولی از هواپیما وحشت دارم. این منطقی نیست اما من از پروازهای عادی بیشتر از جت می ترسم. سفر کردن، برای مردان جوانی مثل شماست.

● من به تازگی مروری بر سینمای هالیوود و فیلمسازی مستقل در آمریکا داشته ام و فکر می کنم فیلمسازی در آمریکا وارد دوران

گاهی بندرت يك فيلم خلاق از فروش خوبی برخوردار است؛ اما در این صورت، این کیفیت تجاری، «گزاره» بیان سینمایی فیلم بوده، در حالی که «نهاد» آن هنر است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- 14- Resnais
- 15- Kurosawa
- 16- Rashomon
- 17- Gate of Hell
- 18- Lyricism
- 19- Exoticism
- 20- Ikiru
- 21- Seven Samurai
- 22- Commercial
- 23- Artistic

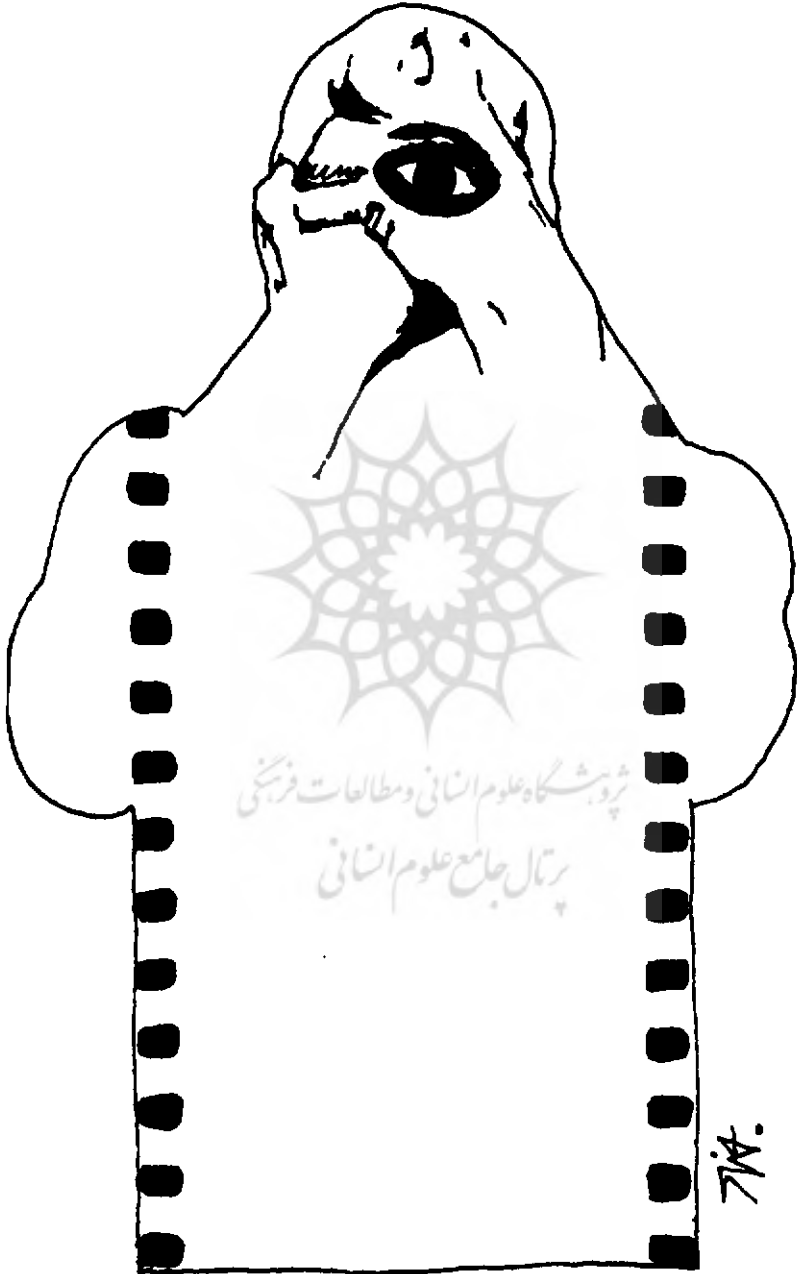
جدیدی می شود. شما چه توصیه‌ای برای فیلمسازان جوان دارید؟ آیا یک فیلمساز جوان باید تمرکزش را به بیان خودش بگذارد و یا بر خوشایند بیننده؟

- همیشه دو نوع سینما وجود داشته است، سینمای «تجاری»<sup>۱۳</sup> و سینمای «هنری»<sup>۱۴</sup> همواره افرادی هستند که تلاش بر بیان دنیای درونی خود و رساندن آن به دیگران از طریق رسانه فیلم دارند که وسیله خارق العاده‌ای برای خلاقیت هنری است. در عین حال فیلمهایی هستند که برای خوشامد مردمی که از نظر فرهنگی عالیتر هستند ساخته می شوند، توده‌هایی که به دلایل اجتماعی و یا اقتصادی در سطح پایین تری قرار دارند. بنابراین چنین فیلمهایی اجباراً سطحی و کلیشه‌ای است و درک آنها آسان و معمولاً در خدمت اخلاقیات و سیاستهای دولتهای مختلف قرار می گیرند. این می تواند تعریف خوبی از فیلم «تجاری» باشد. گاهی بندرت یک فیلم خلاق هم از فروش خوبی برخوردار است اما در این صورت، این کیفیت تجاری «گزاره» بیان سینمایی فیلم بوده، درحالی که «نهاد» آن، هنر است.

پی نوشت

- 1- Kenji Kanesaka
- 2- Viridiana
- 3- The Young One
- 4- Un Chien Andalou
- 5- Los Olvidados
- 6- EL
- 7- Robinson Crusoe
- 8- Nazarin
- 9- Salvador Dali
- 10- Avantgarde
- 11- Nouvelle Vague
- 12- Hiroshima, Mon Amour
- 13- 400 Blows





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

714.